

نمایشگاه آثار فرهاد عزیزی

میلاذ عسکری گوهری

فرهاد عزیزی در قسمت مواجهه زبانی (نوشتاری) نمایشگاه، به صورت مشخص به دیجیتالیزم اشاره می کند. اگر بتوانیم دیجیتالیزم را دوره ای بدانیم که فرایند های دیجیتال از بیشترین اهمیت در زندگی بشر برخوردار اند، هنر نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد. شاید یکی از مهمترین ویژگی های دیجیتالیزم را بتوانیم ایجاد سهولت در انجام امور بدانیم و یا اعمال سرعت هرچه بیشتر. حال این دو ویژگی-سهولت و سرعت- مشخصا به صورت دوگانه یا دو رویه می توانند تعریف شوند. به بیان دیگر، دو عنصر سهولت و سرعت هم می توانند کیفیات کلی را بسیار ارتقا بخشند و هم بنا به ساده نگری، در ورطه ی بی کیفیتی بغرنج قرار گیرند.

حال باید دید آثار فرهاد عزیزی در کجای تعریف فوق می توانند قرار گیرند. به نظر می رسد تاثیر دیجیتالیزم بر آثار عزیزی، صرفا در حد اعمال تکنیکی مکانیکی است. به عبارت دیگر، عزیزی با استفاده ساده و سراسر از امکانات مکانیکی، تنها افکت یا آرایه ای مصنوعی را به عکس افزوده است. این آرایه های صوری البته مشخصا با وابستگی شدید به جلوه های نقاشانه سعی در ایجاد تاثیری هنری و یا شاعرانه دارند، اما در فضایی کلی بسیار شبیه به آثار هنرجویان نقاشی که برای فروش های ارزان ارائه می شوند به نظر می رسند.

شاید به صورت خلاصه بتوان گفت که مواردی مثل عدم توجه عزیزی به عنصر خلاقیت در هنر، عدم توجه به زیباشناسی به صورت مقوله ای جدی، نگاه تقنی و تفریحی به هنر، رویکرد سطحی به مفاهیمی مثل پیوند عکاسی و مواجهات دیجیتال، در آثار وی مشهود و مشخص است و این موارد، علاوه بر اینکه این تجربه ی نمایشگاهی وی را بسیار تقنی و سهل انگارانه رقم زده است، در نگاه کلی تر، از جمله عواملی است که نگاه بدون تعمق به عکاسی و عنصر دیجیتال را رواج داده و حتی باعث سوء تفاهمات هرچه بیشتر در زمینه درک زیباشناسی عکاسی دیجیتال می شود.

نهایتا به نظر می رسد آثار نمایشگاه دیجیتالیزم، صرفا ردی از سهولت و سرعت دیجیتالیزم را نشان می دهند، که در شکلی بسیار ساده نگر و تقنی ایجاد شده و نشان از ورطه ی هولناکی می دهند که عدم شناخت درست دیجیتالیزم می تواند به وجود آورد.